



گامی دیگر

در شناسایی و احیای

کتاب سلیم بن قیس هلالی

محمدتقی سبحانی

کتاب سلیم بن قیس هلالی، تحقیق محمدباقر انصاری، نشر الهادی: قم، در سه مجلد، ۱۳۷۳، وزیر.

بلکه از اولین منابع حدیث اسلامی، به شمار آورد. کتاب باقیمانده از دورانی است که حاکمیت وقت، سیاست منع و محدودیت را در نشر و کتابت حدیث اعمال می کرد. سلیم از زمره شیعیانی بود که با این سیاست مرموز به مقابله پرداخت و با

۱. در کتاب الاختصاص او را از شمار سربازان جانباز حضرت امیر(ع) (شرطه الخمیس) نام برده است (ص ۸۰۳). البته بعضی سلیم را از یاران امام باقر(ع) نیز دانسته اند، ولی ظاهراً او حضرت را تنها در دوران کودکی، در عهد امامت پدر بزرگوارش، زیارت کرده است. ر. ک: رجال شیخ طوسی؛ اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۲۲ والذریعه، ج ۲، ص ۱۵۲؛ مقایسه کنید با معجم رجال الحدیث، خوئی، ج ۸، ص ۲۲۷.

۲. روایان یکی از سلسله اسناد کتاب به ظاهر از علمای اهل سنت هستند (مقدمه کتاب سلیم ص ۱۵۱). البته اینکه تمام این گروه واقعاً عامی مذهب باشند جای درنگ و تحقیق دارد.

سلیم بن قیس هلالی کوفی (م حدود ۸۰ق) را یکی از صحابه بزرگ امیرالمؤمنین(ع) و از یاران امام حسن(ع)، امام حسین(ع) و امام سجاد(ع) به شمار آورده اند.^۱ شهرت سلیم بیشتر به دلیل کتابی است که از او به یادگار مانده و در طول قرون متمادی بحثهای گوناگونی را برانگیخته است. در چند دهه گذشته این کتاب بارها به چاپ رسیده و ترجمه فارسی آن نیز با استقبال کم نظیری در کشور ما مواجه گشته است. تا آنجا که شواهد نشان می دهد این کتاب دست کم از اوایل قرن سوم هجری تاکنون در بین دانشمندان و توده شیعیان رواج داشته و حتی در بین علمای اهل تسنن نیز معروف بوده است.^۲

اهمیت کتاب سلیم

کتاب سلیم از جهات گوناگون حایز اهمیت است. اهمیت این اثر را از سه جنبه می توان ارزیابی کرد: از نظر تاریخی، علم الحدیث و علم کلام. اگر کتاب سلیم را اولین اثر روایی شیعه ندانیم، دست کم می توان آن را از نخستین گردآورده های شیعه،

مهمی در فیصله بخشیدن به بزرگترین مسأله کلام اسلامی برداشته خواهد شد.

آنچه تاکنون گفتیم از کتاب سلیم بود، اما در باب احوالات خود او مدارک و شواهد کافی وجود ندارد. آنچه امروز از او در منابع رجال و حدیث بر جای مانده، معمولاً برگرفته از خود کتاب و مقدمه‌ای است که راویان این اثر (ابان ابن ابی عیاش و عمر بن اذینه) بر کتاب او نگاشته است.^۶ بنا بر این گزارش، سلیم دو سال پیش از هجرت دیده به جهان گشوده و در دوران امارت عمر در عهد جوانی به مدینه آمده است. تلاش سلیم در این دوره بیشتر مصروف ثبت و ضبط ماجرای سقیفه و فدک و حوادث پیرامون آن است. او در دوران حکومت امیرالمؤمنین (ع) از یاران نزدیک آن حضرت و شاهد مستقیم وقایع بوده است. آنگاه که حضرت به شهادت می‌رسد و سلطه امویان بر مقدّرات مسلمین سایه می‌افکند، سلیم از جمله شیعیانی است که در لیست سیاه حکومت اموی قرار می‌گیرد. هیچ شاهدی در دست نیست که ارتباط مستقیم و مستمر سلیم را با امام حسن و امام حسین (ع) اثبات کند. بجز چند مورد اندک حوادث این دوران یا بکلی از روایات سلیم غایب است و یا آن را به طور غیر مستقیم نقل می‌کند. بنا بر گفته ابان ابن ابی عیاش، حجاج بن یوسف ثقفی آنگاه که بر مسند ولایت عراق تکیه می‌زند، در پی آزار سلیم برمی‌آید و او از بیم جان خویش به فارس می‌گریزد. در منطقه نویندگان (نوبندجان) شیراز به آبان که جوانی است کم سن و سال برمی‌خورد. ابان او را در خانه خویش پناه می‌دهد و سلیم نیز او را در تحت تربیت می‌گیرد. از همین جا جوانه‌های تشیع و عشق به اهل بیت در ابان جان می‌گیرد. سلیم در پایان عمر پرده از راز (کتاب یا کتب)^۷ خویش

تدوین سنت نبوی و علوی راه را بر انحراف بیشتر از وحی الهی بست. اگر استناد نسخه موجود به سلیم اثبات شود، به یقین می‌توان ادعا کرد که این کتاب تنها اثر روایی به یادگار مانده از نیمه نخست سده اول اسلامی است.

اما اهمیت تاریخی آن بیشتر مرهون گزارشی است که از حوادث پس از وفات پیامبر (ص) و دوران حکومت حضرت امیر (ع) به دست می‌دهد. این وقایع بیشتر به صورت مستقیم و گاه تنها با یک واسطه از شاهدان عینی روایت شده است. دقت و وسواسی که سلیم در نقل اخبار و بیان جزئیات به خرج داده، کم مانند و شاید بی نظیر باشد. این وسواس گاه تا بدان حد است که برای تأیید و تحکیم خبری که از علی (ع)، سلمان، ابوذر یا مقداد شنیده به دیگری نیز مراجعه می‌کند و از آنان نیز شاهد می‌گیرد.^۳ یکی از ویژگیهای برجسته کتاب، نقل حوادثی است که همواره میان شیعه و سنی محل اختلاف و کشمکش بوده است. تأکید پیامبر اکرم بر مسأله امامت و ولایت، هجوم و آتش زدن خانه فاطمه زهرا (س)، ماجرای صحیفه ملعونه و اصحاب عقبه از جمله این حوادث است. تا آنجا که می‌دانیم این حوادث در کمتر منبعی از منابع کهن تا بدین پایه مورد تأکید قرار گرفته است.

از نقطه نظر کلامی نیز کتاب سلیم اهمیت بسیار دارد. مسأله امامت و خلافت مهمترین - و از نظر تاریخی اوکین - مسأله اعتقادی مورد اختلاف در بین فرق اسلامی است.^۴ نزاع میان دو فرقه بزرگ اسلامی، تشیع و تسنن، درباره امامت و خلافت، بیشتر به دلیل تفاسیر مختلف و گاه متضاد از آیات و روایات و نیز برداشتهای متفاوت از پدیده‌های تاریخی است. روایات منقول در کتاب سلیم غالباً چنان بی پرده است که راه را بر هر گونه توجیه و تأویل می‌بندد و مدعای شیعه را به صراحت بر کرسی حقیقت می‌نشانند. افزون بر این، در پاره‌ای روایات حتی به شبهاتی که در مسأله امامت و نحوه برخورد حضرت امیر (ع) با ماجرای سقیفه مطرح بوده و هست به تفصیل پاسخ داده می‌شود.^۵ تصریح به خلافت علی (ع) و نام بردن ائمه اثنی عشر و مقامات مادی و معنوی ایشان از سوی پیامبر (ص) و طرد و انکار مخالفان از جمله مهمترین مطالب روایات سلیم است. به هر حال اگر استناد روایات سلیم و قدمت آن اثبات شود، گام

۳. برای نمونه مراجعه کنید به حدیث ۶، ۱۰، ۲۱ و ۲۴. نشانی روایات

سلیم از این پس بر اساس چاپ جدید (سه جلدی) است.

۴. ملل و نحل، شهرستانی، چاپ مصر، ص ۳۰؛ در آنجا آمده است: واعظم خلاف بین الامة خلاف الامامة؛ از ماسل سيف في الاسلام على قاعدة دينية مثل ماسل على الامامة. نیز ر. ک. به مقالات الاسلاميين، ج ۱، ص ۳۹.

۵. ر. ک: احادیث یازدهم (ص ۶۴۹)، حدیث دوازدهم (ص ۶۶۱ به بعد) و ...

۶. حتی این ندیم، کشتی و نجاشی که از اولین علمای رجال هستند که در این باره سخن گفته‌اند، کلمات ابان و عمر را نقل کرده‌اند.

۷. در کلام ابان به «کتب» تعبیر شده است (مقدمه کتاب سلیم) و از اینجا محل اختلاف شده که آیا سلیم چندین کتاب داشته و یا «کتب» صرفاً اشاره به مجموعه دستنوشته‌ها دارد که بر روی هم یک کتاب را تشکیل می‌دهد.

- ۱- تأکید بر افضلیت اهل بیت (ع).
- ۲- نصوص نبوی بر وصایت و ولایت بلا فصل مولای متقیان (ع).
- ۳- تصریح به تعداد ائمه از سوی پیامبر (ص) و معرفی آن بزرگواران.
- ۴- مسأله مهدویت و اینکه امام مهدی (عج) از نسل نهم حسین بن علی (ع) است.
- ۵- بیان جزئیات حادثه سقیفه و نحوه برخورد حضرت امیر (ع) و یاران آن حضرت.
- ۶- ماجرای تحصن بنی هاشم و اصحاب وفادار حضرت امیر در خانه صدیقه طاهره (س) و آتش زدن خانه حضرت و مجروح کردن آن بزرگوار و انداختن ریسمان بر گردن علی (ع) و بردن ایشان به مسجد برای بیعت.
- ۷- ارتداد همه اصحاب پس از وفات پیامبر (ص) مگر چهار نفر (سلمان، ابوذر، مقداد و زبیر).
- ۸- بیان مثالب و بدعت‌های خلفا به ویژه تأکید بر مسأله صحیفه ملعونه و ماجرای عقبه و حدیث تابوت.^۸
- ۹- توطئه قتل علی (ع) توسط خالد بن ولید و به دستور ابوبکر.
- ۱۰- عدم ایمان شیخین و باقی بودن بر مرام بت پرستی.
- ۱۱- جمع آوری قرآن به دست امیرالمؤمنین و موضع آن حضرت در قبال قرآن جمع آوری شده توسط عمر و عثمان.
- ۱۲- پیشگویی پیامبر (ص) و علی (ع) در باب حکومت ظالمانه اموی و نهضت عباسیان و ستم‌هایی که بر شیعه خواهد رفت.

دیدگاه‌های مختلف در باب اعتبار کتاب

- از منابع بازمانده، کهنترین کتابی که از سلیم نام برده و از او روایت کرده کتاب الزهد حسین بن سعید اهوازی (متوفی حدود ۸۰ هجری) است که در «صحیفه ملعونه» در تداول علمای شیعه اشاره به نامه‌ای است که در زمان حیات پیامبر (ص) میان شیخین و چند تن از کارگردانان سقیفه بطور مخفیانه امضا شده تا قدرت را پس از رحلت آن حضرت به دست گیرند. منظور از «ماجرای عقبه» توطئه پاره‌ای از بظواهر یاران پیامبر (ص) مبنی بر پی کردن شتر یا استر ایشان از گردنه‌ای خطرناک بود. این جریان در کتاب سلیم گاه به جنگ تبوک و گاه به حجة الوداع نسبت داده شده است. بنا به نقل برخی روایات شیعه خلیفه اول و دوم و نیز ابوموسی اشعری جزء این گروه بوده‌اند. حدیث «تابوت» اشاره به روایتی است که در آن عقاب غاصبان ولایت را قرار گرفتن در تابوتی در قعر جهنم می‌داند.

می‌گشاید و روایات آن را به تمامی بر آبان می‌خواند و آنها را به رسم امانت بدو می‌سپارد. آبان پس از وفات سلیم به بصره می‌آید و در اوکین برخورد حسن بصری را ملاقات می‌کند و کتاب سلیم را بر او قرائت می‌کند. حسن بر آن احادیث صحیح می‌گذارد. او در همان سال به مکه می‌رود و در مراسم حج روایات سلیم را به امام سجاد (ع) عرضه می‌دارد. حضرت و دو تن از صحابی پیامبر (ص) (ابوالطفیل عامر بن وائله و عمر بن ابی سلمه) روایات سلیم را تأیید می‌کنند. آبان بن ابی عیاش پیش از آنکه وفات کند سلیم را در خواب می‌بیند که او را سفارش می‌کند که کتابش را به یکی از شیعیان رازدار بسپارد و او کتاب را به عمر بن اذینه، فقیه شیعی بصره، و امی‌گذارد. از طریق این شخص است که کتاب سلیم انتشار می‌یابد و به عنوان یکی از اصول معتبر شیعه دست به دست می‌گردد و به طرق مختلف روایت می‌شود.

اخیراً کتاب سلیم با تصحیح و تحقیقات جدید، به همت آقای محمدباقر انصاری در سه مجلد به چاپ رسیده است. مجلد نخست سراسر به معرفی سلیم و اثر نامدار او اختصاص دارد. در جلد دوم، متن کتاب با چهار نسخه معروف مقابله و تصحیح شده و با مستدرکات (روایاتی که از سلیم در دیگر جوامع روایی نقل شده و در نسخه‌های کتاب نیست) همراه گشته است. محقق محترم در جلد سوم به تخریج تک تک روایات پرداخته و برای هر حدیث چندین مأخذ نشان داده است. در پایان کتاب فهرست‌های فنی آمده است. اما در جلد نخست مباحث زیر در طی چند فصل بررسی شده است: حیات سلیم و تاریخ تدوین کتابش، اعتبار کتاب و احادیث آن به تقریر ائمه (ع)، کلمات علما در اعتبار کتاب و احادیث آن، دانشمندی که کتاب سلیم یا روایات آن را ذکر کرده‌اند، کتاب سلیم از نگاه غیر شیعه، نقد و رد مناقشاتی که درباره این اثر مطرح شده، بررسی سلسله اسناد کتاب، معرفی نسخه‌های خطی و روش تحقیق در آنها.

خطوط اساسی کتاب سلیم

برای آشنایی بیشتر با این کتاب بد نیست مهمترین موضوعات مطرح شده در این روایات را به اختصار بیان کنیم:

دیده و کلام آنها را شنیده اند. کتاب سلیم از اصولی است که شیعه بدان رجوع کرده و بر آن تکیه می کند. ^{۲۳} کلام کشتی نیز نشان از توثیق سلیم و تأیید کتابش دارد. ^{۲۴} شیخ طوسی و نجاشی هر چند سلسله سند خویش را به کتاب سلیم ذکر کرده اند، ولی در کلامشان هیچ شهادتی که به صراحت آن را تأیید یا تضعیف کند، وجود ندارد. قول به صحت کتاب و مندرجات آن در میان محدثین و رجالین متأخر طرفداران بیشتری دارد. علامه مجلسی، شیخ حرّ عاملی، حاجی نوری، تفرشی (صاحب نقد الرجال) و شیخ آغا بزرگ تهرانی از آن جمله اند. ^{۲۵}

۹. کتاب الزهد، حسین بن سعید الکوفی الاهوای، ص ۷. آقای انصاری کتاب مختصر اثبات الرجعه را قدیمی ترین اثر دانسته است (بخش تخریجات، ص ۹۷۱)؛ اما بی تردید حسین بن سعید بر فضل بن شاذان تقدم دارد. البته حسین بن سعید در کتاب البهار نیز از سلیم روایت داشته که اصل کتاب البهار هم اکنون در دسترس نیست (ر. ک: الیقین، سید بن طاووس، باب ۱۱۵).

۱۰. مختصر اثبات الرجعه، چاپ شده در مجله تراثا، شماره ۱۵.

۱۱. بصائر الدرجات، منشورات الاعلمی، ص ۴۷ و ۲۱۸ و ...

۱۲. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۴ و ج ۲، ص ۲۹۹.

۱۳. تفسیر فرات، مکتبه الداوری، ص ۹ و ۱۳۱.

۱۴. البته وی در تفسیری که از او در دست است روایتی از سلیم نقل نکرده است ولی برخی از کتب معتبر حدیثی (مثل کافی و خصال) او را جزء سلسله سند روایت سلیم بر شمرده اند.

۱۵. کلینی و صدوق در موارد متعدّد از سلیم روایت کرده اند. ر. ک: مقدمه کتاب سلیم، ص ۱۳۱.

۱۶. المسترشد، تصحیح احمد محمودی، ص ۲۳۱.

۱۷. سند این روایات معمولاً همان سندهای معروف کتاب سلیم است و از اینجا می توان حدس زد که کتاب سلیم نزد ایشان نیز موجود بوده است. البته پاره ای از روایات منقول در این کتاب در نسخه های موجود از کتاب سلیم نیست.

۱۸. البته شیخ مفید تنها در تصحیح الاعتقاد از کتاب سلیم نام برده است. بنده در انتساب کتاب تصحیح الاعتقاد به مفید از گذشته تردید داشته ام و هنوز هم شاهد محکمی بر این نسبت نیافته ام. نجاشی که خود از شاگردان مفید بوده است و قریب ۱۸۰ اثر از او را نام می برد، از تصحیح یاد نمی کند (رجال نجاشی، مؤسسه انتشارات اسلامی، ص ۳۹۹).

۱۹. الغیبه، نعمانی، مکتبه الصدوق، ص ۶۸ به بعد.

۲۰. اختیار معرفة الرجال، مؤسسه آل البيت، ج ۱، ص ۳۲۱.

۲۱. رجال نجاشی، ص ۸.

۲۲. الفهرست، ص ۸۱.

۲۳. الغیبه، ص ۱۰۱ و ۱۰۲.

۲۴. اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۲۱؛ رجال علامه حلی (خلاصه)، ص ۸۳.

۲۵. از دیگر کسانی که این قول را پذیرفته اند: خونساری، کشف الاستار، ج ۲، ص ۱۲۸؛ خونی، معجم رجال الحديث، ج ۸، ص ۲۲۵.

۲۵۰ق) است. ^۹ پس از آن باید از دو کتاب زیر نام برد: مختصر اثبات الرجعه ^{۱۱} فضل بن شاذان (م ۲۶۰ق) و بصائر الدرجات ^{۱۱} محمد بن حسن صفار (م ۲۹۰ق). سپس به محدثین بزرگ قرن سوم و چهارم می رسیم. در رأس آنها باید از عیاشی ^{۱۲} (در تفسیر خود)، فرات کوفی ^{۱۳} (در تفسیر)، علی بن ابراهیم قمی ^{۱۴}، کلینی (در کافی)، صدوق ^{۱۵} (در من لایحضر، خصال، اکمال الدین و حلل الشرایع) و طبری (در المسترشد) ^{۱۶} یاد کرد. البته این گروه که نام بردیم هیچ کدام از کتاب سلیم اسم نبرده اند و تنها به نقل پاره ای از روایات او بسنده کرده اند. ^{۱۷} اما علمایی که در طبقه بعد قرار می گیرند تقریباً همگی از «کتاب سلیم» یاد کرده اند: مفید (در تصحیح الاعتقادات و الکافیة فی التوبة الخاطئة) ^{۱۸}، نعمانی (در الغیبه) ^{۱۹}، کشتی ^{۲۰} و نجاشی ^{۲۱} (در رجال) و شیخ طوسی (در فهرست و رجال) ^{۲۲}.

از قرن ششم کتاب سلیم شهرت و آوازه ای افزون می یابد و روایات او با بسط و تفصیل بیشتری در جوامع روایی شیعه وارد می شود. در این دوره کتابی که بیشتر از دیگران از سلیم روایت آورده الاحتجاج طبرسی و سپس ارشاد القلوب دیلمی است. تقریباً از همین زمان است که پاره ای از احادیث سلیم به برخی از منابع اهل سنت نیز راه می یابد: حاکم حسکانی (متوفی حدود ۵۰۰ق) در شواهد التنزیل، حموی (م ۷۳۰ق) در فرائد السمطين، ابن شهاب همدانی در مودة القری و دیگران.

سلیم بن قیس را عموم دانشمندان شیعه ستوده و توثیق کرده اند و تا آنجا که می دانیم کسی او را قده نکرده است. اما نسبت به کتاب او نظر واحدی وجود ندارد. دست کم سه دیدگاه متفاوت را می توان نشان داد:

۱- دسته اول، که غالب دانشمندان و محدثان شیعه را در بر می گیرد، کتاب سلیم را از اصول معتبر و مستند دانسته اند. در رأس این گروه محدث نعمانی (اوائل قرن چهارم) قرار دارد که با صراحت، همه مندرجات کتاب سلیم را معتبر و متقن دانسته است: «کتاب سلیم بن قیس از بزرگترین کتابهای اصول شیعه است که حاملان احادیث اهل بیت و قدیمی ترینشان آن را روایت کرده اند؛ زیرا آنچه در این اصل آمده، همه از رسول خدا (ص) و امیر مؤمنان (ع) و مقداد و سلمان و ابوذر و مانند آنهاست که پیامبر (ص) و علی (ع) را

گرفته است (ص ۱۵۶ به بعد).

۳- اما نظریه سوم راهی در میان این دو می جوید. از یک سو کتاب سلیم و سند آن را اجمالاً تصدیق می کند و ادله ابن الغضائری دائر بر معقول بودن اصل کتاب را نادرست می داند؛ و از سوی دیگر معتقد است آنچه از نسخه های کتاب در قرون بعد بر جای مانده خالی از تحریف و تدلیس نیست. تا آنجا که می دانیم اولین کسی که این رأی را پیشنهاد کرده شیخ مفید در کتاب **تصحیح الاعتقاد** است. او به همین دلیل معتقد است که به روایات سلیم باید به دیده احتیاط نگریست و تنها پس از نقد و بررسی به نقل و نشر آن پرداخت. ^{۳۱} چنانکه گفتیم، به یک احتمال علامه حلی را می توان از این گروه بر شمرد. از بین متأخرین صاحب قاموس الرجال چنین گرایشی دارد، هر چند ایشان تصریح می کند که جز روایت موعظه محمد بن ابوبکر دلیلی بر ضعف دیگر روایات کتاب در دست نیست. ^{۳۲}

اینکه کدام یک از آرای فوق به حقیقت نزدیکتر است، نیاز به بحث و فحص بیشتر دارد. با آنکه پیرامون کتاب سلیم تاکنون هزاران صفحه به رشته تحریر درآمده، اما هنوز مسائل چندی در پرده ابهام است. در چاپ جدید نیز هر چند تلاش

۲۶. التحریر الطاووسی، دارالذخائر، ص ۱۳۶ و ۱۳۷.

۲۷. فقه الرجال، تفریسی، ص ۱۵۹؛ حاشیه قهبانی بر مجمع الرجال، ج ۴، ص ۱۵۵. البته ایشان کلام شهید را با تعبیر «قیل» آورده است.

۲۸. التحریر الطاووسی، ص ۱۳۶.

۲۹. الفهرست، ابن ندیم، ص ۲۷۵؛ علامه حلی همین مطلب را از رجالی متقدم علی بن احمد عقیقی نقل کرده است (رجال علامه، ص ۸۳). صاحب الذریعه و صاحب معجم رجال الحدیث با این قول مخالفند و معتقدند که هر چند ابان تنها کسی است که کتاب سلیم را مستقیماً از سلیم گرفته است (مناوله) ولی منافاتی ندارد که دیگران نیز کتاب را از او سماع کرده باشند (الذریعه، ج ۲، ص ۱۵۴ و ۱۵۵؛ معجم، ج ۸، ص ۲۲۵ و ۲۲۶).

۳۰. رجال علامه حلی، ص ۸۳.

۳۱. تصحیح الاعتقاد، با تصحیح شهرستانی، ص ۱۲۶. حتی اگر در نسبت این کتاب به مفید نیز تردید روا داریم، شیوه او در نقل روایات سلیم حاکی از همین بینش است. شیخ در کتابهایی چون الارشاد و الجمل هیچ روایتی از سلیم ندارد. ظاهر او تنها یک حدیث در **مسألة الکافی فی ابطال التوبة الخاطئة** نقل کرده است (مجموعه مصنفات شیخ مفید، دارالمفید، ج ۶، ص ۴۷).

در کتاب تدوین السنة الشریفة (ص ۲۴۱) نویسنده اظهار داشته است که «در نسخه متداول از کتاب سلیم مطالبی هست که بر طبق معتقدات شیعه هیچ شکی در ابطال آن نیست.» اما معلوم نشد که اشاره ایشان به کدام بخش از کتاب است.

۳۲. قاموس الرجال، انتشارات اسلامی، ج ۵.

۲- گروه دوم کسانی اند که اصل کتاب را معقول و موضوع و سند کتاب را به سلیم مخدوش می دانند. ابن الغضائری ظاهراً نخستین کسی است که این قول را بر زبان آورده است. البته این نظریه چندان مورد استقبال واقع نشده است؛ مخصوصاً اگر نسبت کتاب ضعفاء را به ابن الغضائری نپذیریم، می توان ادعا کرد که از میان قداما کسی بر این رأی نرفته است. اما در عین حال از لحن کلام احمد بن طاووس برمی آید که او با برداشت ابن الغضائری موافقت دارد. ^{۲۶} شهید ثانی نیز در حاشیه خلاصه الاقوال علامه بر این نظر صحه گذاشته است. ^{۲۷} البته علامه حلی را نمی توان از این دسته به شمار آورد. ایشان ظاهراً به رأی سوم تمایل دارد.

اشکالاتی که ابن الغضائری و به تبع، دیگران، بر کتاب سلیم وارد کرده اند عبارت است از:

الف- در سند کتاب از ابان ابن ابی عیاش و ابراهیم بن عمر صنعانی نام برده شده که ابن الغضائری هر دو را ضعیف می شمارد. ^{۲۸} مخصوصاً که گفته اند کتاب سلیم تنها از طریق ابان بن سلیم استناد می یابد. ^{۲۹} از این گذشته سید روایت مختلف و پریشان است. عمر بن اذینه گاه مستقیماً از ابان نقل می کند و گاه به واسطه ابراهیم بن عمر صنعانی. ^{۳۰} این مطلب بویژه با آنچه در مقدمه کتاب سلیم آمده ناهماهنگ است. در آنجا ابان کتاب سلیم را به عمر بن اذینه می سپارد.

ب- در کتاب سلیم نشانه هایی از وضع و تدلیس وجود دارد. از جمله آورده است که ابوبکر در هنگام وفات به غضب ولایت امیر مؤمنان (ع) اعتراف نمود و فرزندش محمد بن ابوبکر او را نصیحت کرد. در حالی که محمد در حجة الوداع به دنیا آمد و در آن زمان تنها سه سال داشته است. همچنین گفته شده که در یکی از روایات سلیم، ائمه شیعه را سیزده نفر دانسته است. از اینجا احتمال داده اند که راوی، زیدی مذهب بوده و روایت را بسود اعتقادات خویش جعل کرده است و ...

طرفداران نظریه اول به تفصیل این اشکالات را پاسخ گفته و بی پایگی اکثر آنها را نشان داده اند. ورود به این بحث ما را از هدف اصلی دور می کند. از این رو خوانندگان را به منابعی که در ذیل نظریه نخست معرفی کردیم ارجاع می دهیم. در مقدمه چاپ جدید از کتاب سلیم نیز این شبهات مورد بررسی قرار

نسخ به عبدالرزاق بن همام و از او به معمر بن راشد و از آنجا به ابان ابن ابی عیاش (یا عمر بن اذینه) می‌رسد. از این قسم، نسخه‌هایی در آستانه قدس رضوی، دانشگاه الهیات مشهد و دانشگاه تهران موجود است.

از نسخه‌های نوع سوم شش عدد باقیمانده است که از جمله نسخه دانشگاه تهران و مجلس شورای است. اما در اینجا نیز مهمترین نسخه به زمان علامه مجلسی بازمی‌گردد که به دستور ایشان و به هزینه موقوفات حمام نقش جهان اصفهان، نسخه برداری شده است. اهمیت این نسخه‌ها در اختلاف زیادی است که با دو نوع اول دارد. بسیاری از روایات منقول از سلیم در کتب قدما، که در نسخه‌های دیگر نیست، در این نسخه وجود دارد. به علاوه احادیثی در این نسخه هست که حتی در کتب قدما نیز یافت نمی‌شود. از طرف دیگر، پاره‌ای از روایات موجود در نسخه‌های الف و ب در اینجا دیده نمی‌شود، بویژه احادیث ۴ و ۱۴ که از موارد مورد بحث در کتاب سلیم است و بعداً در این باره سخن خواهیم گفت. مصحح محترم معتقد است که کمبود این نوع نسخه نوع ج از آن روست که ابتدای نسخه اصلی از بین رفته است. به نظر ایشان این نوع جامعترین نسخه و حاوی تمام روایات موجود در الف و ب بوده است. در نسخه‌های موجود از نوع ج تنها ۳۲ روایت هست که البته هفت روایت دیگر نیز به آن ضمیمه شده است. با آنکه نسخه‌ای از این نوع در دسترس علامه مجلسی بوده است، ولی روایات بحار تنها مأخوذ از نسخه الف است. عدم نقل روایات نوع ج در بحار، به احتمال زیاد، به این دلیل است که این نسخه را مجلسی در پایان حیات شریفش به دست آورده و آن زمان کار تألیف بحار به پایان رسیده بود (ر. ک: ص ۳۵۶ از مقدمه کتاب سلیم). قرائن نشان می‌دهد که نسخه‌ای از این نوع در دست محمد بن حسین رازی (از اعلام قرن هفتم) بوده است؛ چرا که روایاتی از آن در **نزه الکرام** آورده است.

نسخه‌های نوع د از طریق ابراهیم بن عمر یمانی به عبدالرزاق بن همام و از آنجا به معمر بن راشد منتهی می‌شود و از نظر تعداد احادیث و ترتیب آنها تقریباً با نسخه نوع ب موافقت دارد. با این وصف بعید به نظر می‌رسد که بتوان آن را مستقل از نسخه ب دانست. از این نوع تنها یک نسخه در کتابخانه مجلس شورا باقیمانده است.

با آنکه مصحح محترم توانسته است نسخه شناسی کاملی از کتاب سلیم به دست دهد، اما به نظر ما نتیجه این کار در تقویم سند کتاب چندان قاطع و رضایت‌بخش نیست؛ چرا که در اثری

ارزشمند و قابل تقدیری صورت گرفته، ولی چنانکه خواهیم دید این پژوهش نیز به مرحله‌ای قاطع یا قابل اطمینان نیانجامیده است. پیش از آنکه رأی خویش را بازگوییم، نگاهی کوتاه خواهیم داشت به راه بلندی که آقای انصاری در تصحیح کتاب پیموده است. ایشان در مجموع از سه راه بر تأیید روایات سلیم شاهد آورده است: توثیق سلسله سند کتاب، اثبات قدمت و اصالت نسخه‌های خطی و تخریح روایات کتاب از منابع شیعه و سنی.

نسخه‌های خطی کتاب سلیم

محقق محترم مجموعاً شصت نسخه را شناسانده که البته از این میان امروزه تنها بیست و دو عدد باقیمانده مانده است. از ویژگی‌های کتاب سلیم اختلاف و تفاوت نسخه‌هاست. ایشان کتاب سلیم را به چهار نوع تقسیم کرده (نوع الف، ب، ج و د) و سلسله سند هر نوع را همراه با مشخصات نسخه به تفصیل آورده است (از ص ۳۰۸ تا ص ۴۰۸). متن کتاب بر اساس هر چهار نوع نسخه تصحیح شده و روایتهای زاید در بعضی نسخه‌ها را در پایان کتاب افزوده است. به این ترتیب متن جدید تمام روایات نسخه‌های موجود را شامل می‌شود و از این رو کاملترین نسخه از کتاب سلیم را پیش روی ما می‌نهد.

از نوع الف دو نسخه مهم باقی مانده که یکی متعلق به شیخ حرّ عاملی است و دیگری مربوط به علامه مجلسی. نسخه علامه از نسخه‌ای به تاریخ ۶۰۹ق استنساخ گردیده است. نسخه شیخ حرّ که از نسخه‌ای عتیقه رونویسی شده، با نسخه علامه نیز مقابله شده است. قدیمی‌ترین نسخه موجود همین دو نسخه است که اوکی را شیخ در **اثبات الهداة** و دومی را علامه در **بحار الانوار** نقل کرده‌اند. این قسم از نسخه‌های سلیم دارای ۴۸ حدیث است و از طریق ابن ابی عمیر به عمر بن اذینه و از آنجا به ابان ابن ابی عیاش می‌رسد.

از نسخه‌های نوع ب تعداد بیشتری بر جای مانده (۱۱ نسخه)، ولی در مجموع به اصالت و قدمت نسخه‌های نوع الف نیست. در این نسخ ۴۱ حدیث آمده که این تعداد با احادیث موجود در نوع الف، جز در ترتیب آنها، توافق کلی دارد. از سلسله روایان نوع ب بسیاری عامی مذهب هستند. طریقه این

تخریح روایات

به نظر می‌رسد که برای تأیید متونی به قدمت کتاب سلیم بهترین روش استخراج روایات آن از دیگر منابع روایی باشد. در چاپ جدید گام مؤثری در این راه برداشته شده و در خصوص هر روایت منابع متعدد معرفی شده است (جزء سوم، ص ۹۶۱ به بعد). تخریجات در سه بخش تنظیم شده است: منابعی که از «کتاب سلیم» نقل کرده‌اند، منابعی که با سند از سلیم روایت می‌کنند و آنها که همان روایت را از غیر طریق سلیم آورده‌اند. مصحح محترم کار خویش را در این بخش چنین ارزیابی می‌کند: «ما برای استخراج مرویات سلیم کتابهای قدام و متأخرین شیعه و نیز کتب عامه را کاملاً پی جویی کردیم و تقریباً ۹۵٪ روایات سلیم را در دیگر منابع یافتیم» (جزء اول، ص ۲۰۲). با آنکه ایشان در تهیه این بخش متحمل زحمات فراوان شده و در جای خود کاری درخور و شایان تقدیر عرضه داشته، اما انصاف باید داد که این امید و ادعا به هیچ وجه جامعه عمل نبوشیده است. برای نمونه تخریجات چند حدیث را به اختصار ارزیابی می‌کنیم:

حدیث چهارم. که جریان سقیفه و هجوم به خانه صدیقه طاهره (س) و جسارت به حضرت را از زبان سلمان فارسی به تفصیل (حدود ۲۰ صفحه از چاپ جدید) روایت کرده است، نخست به بحارالانوار، عوالم العلوم، مدینه المعاجز (سید هاشم بحرانی) و کفایة الموحّدین (اسماعیل طبرسی) ارجاع شده است که هیچ کدام ارزش چندانی در مستندسازی متن ندارند؛ زیرا نسخه مجلسی هم اکنون موجود است و بحارالانوار چیزی بیش از آن را ثابت نمی‌کند. عوالم العلوم و مدینه المعاجز نیز از معاصران مجلسی‌اند. اساساً کتاب سلیم در چند سده اخیر به حد تواتر رسیده و نیازی به تأیید ندارد. به علاوه کفایة الموحّدین، که مکرراً به آن ارجاع شده، از علمای معاصر به حساب می‌آید و نقل او اعتباری بر کتاب نمی‌افزاید.

سپس روایت ابن طاووس در الیقین را به نقل از البهار حسین

۳۳. برای مثال، مرحوم خوئی هر دو سند کثی را تضعیف کرده است (معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۲۲۷).

۳۴. صاحب معجم رجال الحدیث دو سند کافی و دو سند خصال را به سلیم صحیح می‌داند (ج ۸، ص ۲۲۳ و ۲۲۴). برای مثال سند کلینی چنین است: عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد بن خالد عن عثمان بن عیسی عن عمر بن اذینه عن ابان بن ابی عیاش عن سلیم.

۳۵. در یکی از این طرق محمد بن علی صیرفی قرار دارد. هر چند قدام وی را جرح کرده‌اند، ولی پاره‌ای از متأخرین وی را توثیق کرده و تضعیف قدام را بر نسبت بیجای غلو حمل کرده‌اند (ر. ک: مقدمه کتاب سلیم، ص ۲۴۰ و ۲۴۱).

چنین کهن نمی‌توان تنها بر نسخه‌های قرون متأخر اعتماد کرد و از این روست که تفحص در سلسله اسناد کتاب ضروری می‌نماید.

بررسی سلسله سند کتاب سلیم

هر چند روایات سلیم از طرق مختلف به دست ما رسیده، اما آنچه مسلم است اینکه تنوع طرق تنها مربوط به طبقه سوم به بعد است. دیدیم که ابن الغضائری و دیگران ابان و بعضی روات سلیم را تضعیف کرده‌اند. در مقابل رجالیین متأخر معمولاً سند کتاب سلیم را معتبر دانسته و تضعیفات یادشده را پاسخ گفته‌اند. مصحح محترم تمام سلسله اسناد کتاب را در جدولی به تصویر کشیده است (ص ۲۰۴ و ۲۰۵ از مقدمه کتاب). حتی اگر برخی از این سلسله اسناد را معتبر ندانیم^{۳۳}، باز هم این مطلب به معنای تضعیف تمام طرق نیست. اگر وثاقت ابان اثبات شود لا اقل می‌توان سند کلینی، صدوق و شیخ را به سلیم توثیق کرد.^{۳۴} اما این مقدار هنوز برای ما کافی نیست، مگر آنکه سند نسخه‌های حاضر به مشایخ یادشده تصحیح شود. از میان نسخه‌های موجود نسخه مجلس (از نوع الف) مستندترین نسخه است. علامه شهادت داده است که این نسخه، از روی نسخه‌ای به تاریخ ۶۰۹ قمری استنساخ شده است. بنابر آنچه در ابتدای این نسخه آمده، چهار تن از بزرگان تشیع در قرن ششم آن را به طریق معتبر از شیخ طوسی روایت کرده‌اند.^{۳۵} شیخ طوسی نیز این کتاب را لا اقل به دو طریق از سلیم نقل می‌کند که تقریباً همگی معتبرند. اما هنوز یک مشکل اصلی وجود دارد: ظاهراً مشخصات صاحب این نسخه (مورخ ۶۰۹ ق) معلوم نیست و تا این نکته معلوم نشود، سند او به دیگران اعتباری ندارد. مهمتر آنکه راوی مجهول این نسخه در حدود ۵۶۰ کتاب را بر مشایخ خود قرائت کرده و بنابر این تاریخ نسخه برداری تقریباً پنجاه سال پس از آن است. به هر حال در صورتی که نتوانیم مستقیماً نسخه یادشده را تصحیح کنیم یگانه راه آن است که روایات موجود در این نسخه را با مرویات سلیم در منابع قرن ششم و هفتم مثل احتجاج، ارشاد القلوب، العمده و ... تأیید کنیم.

حدیث یازدهم. منابع اصلی که در تخریح آمده (اکمال الدین، التحصین ابن طاووس و فرائد السمطين) تنها نیمه اول روایت را نقل کرده اند (تا صفحه ۶۴۸ از چاپ جدید). اینکه آنان با اختلاف سندی که به سلیم دارند همگی روایت را تا یک محل خاص نقل کرده اند، آیا خود نشان نمی دهد که بقیه روایت در نسخه آنان وجود نداشته است؟ بعلاوه در هر سه متن سه صفحه (صفحات ۶۴۰ تا ۶۴۳ چاپ جدید) از میانه حدیث وجود ندارد. این خود شاهی قویتر بر عدم وجود مقدار زاید در نسخه آنان است. به هر حال تنها منبعی که تقریباً همه روایت را نقل کرده احتجاج طبرسی است که البته با متن موجود از سلیم اختلاف و کاستیهایی اندک دارد. به اثبات الهداة ارجاع شده که روایت اثبات هم ربطی به این روایت سلیم ندارد. ینابيع الموده نیز در فهرست تخریح آمده است. گذشته از آنکه قندوزی (م ۱۲۹۴ق) از متأخرین است، چون خود از فرائد السمطين نقل می کند، اعتباری افزون ندارد. همچنین از غیبت نعمانی یاد شده که در آنجا فقره ای کوتاه از انتهای حدیث روایت شده است.

روایت چهاردهم. تخریجات این روایت نیز ناقص است و برای مستندسازی بخش آغازین و پایانی روایت - که از قضا بحث انگیز هم هست - تلاشی صورت نگرفته است. به علاوه آنچه در غیبت نعمانی آمده مربوط به جنگ صفین و در جواب معاویه است و ربطی به این روایت ندارد. روایت نعمانی در حقیقت روایت ۲۵ از کتاب سلیم است، نه روایت چهاردهم. به مشارق انوار الیقین حافظ برسی نیز ارجاع شده که چنین روایتی را در نسخه مطبوع از مشارق نیافتیم. ارشاد القلوب و الفضائل نیز تنها پاره ای از میانه حدیث را نقل کرده اند. معمولاً تخریح روایات دیگر نیز از همین قرار است (به جز چند مورد که در مجموع می توان استناد آن روایات را تا زمانهای قدیم نشان داد).

مسائلی دیگر پیرامون کتاب سلیم

در مجموع می توان داوری کرد که با چاپ جدید از کتاب سلیم شناسایی کتاب سلیم وارد مرحله ای تازه شده است، اما به گمان ما این مقدار به تنهایی در تثبیت نسخه موجود به عنوان یک منبع قابل استناد کافی نیست، نگارنده در بررسی کتاب به ابهامات و سوالاتی برخورد کرده ام که شاید زمینه ای باشد برای تحقیق عمیقتر و گسترده تر در روایات این کتاب.

۳۶. دلائل الامامة، طبری صغیر، انتشارات بعثت، ص ۱۳۴.

بن سعید اهوازی آورده است. آنچه در الیقین آمده تنها چهار سطر از این روایت طولانی است که اتفاقاً از مطالب شاخص و مهم این روایت نیست و نظایر فراوانی در کتب شیعه و سنی دارد. به روضه کافی نیز ارجاع شده است. اما آنچه در روضه آمده، تنها مسأله بیعت شیطان با خلیفه اول است که تقریباً یک دهم از کل روایت است. اثبات الوصیه علامه حلی و المحتضر حسن بن سلیمان نیز از همین قرار است. مصحح در پایان اضافه کرده است: چون هر فقره از این روایت در چندین مأخذ وجود دارد، برای جلوگیری از تطویل، از نقل منابعی که از غیر سلیم روایت کرده اند خودداری می کنیم. چنانکه خواهیم گفت مهمترین بخش کار در خصوص این روایات یافتن مستنداتی از دیگر متون روایی است. خواهیم دید که مورخین و محدثین اهل سنت با مسئله آتش زدن خانه فاطمه زهرا (س) و نیز ضربت به آن حضرت یا ریسمان انداختن به گردن حضرت امیر (ع) سخت مخالفند. از کتب قدمای شیعه نیز، تا آنجا که یافته ایم، تنها طبری صغیر در دلائل الامه روایتی کوتاه از امام صادق (ع) دارد. ۳۶ باز هم به این مطلب باز خواهیم گشت.

حدیث هفتم. از بحار الانوار و منابعی از آن دست که بگذریم روایت از سه مأخذ استخراج شده است: بصائر الدرجات، اکمال الدین و کافی. اما در هر سه کتاب از حدود هفت صفحه روایت تنها سه سطر نقل شده است. به علاوه در نقل این سه محدث قرائنی وجود دارد که نشان می دهد آنچه در دست داشته اند، روایت دیگری بوده است غیر از آنچه در نسخه فعلی سلیم وجود دارد. در هر سه کتاب روایت به صورت: **ان الله طهرنا وعصمنا وجعلنا شهداء علی خلقه ...** آغاز می شود، حال آنکه این فقره در نسخه سلیم در ادامه کلام دیگری است: **... الذين قرنهم الله بنفسه و بينه في آي من الكتاب كثيرة وطهرنا وعصمنا وجعلنا شهداء علی خلقه.**

در پایان به بحار الانوار (ج ۲۸، ص ۱۳، ح ۶) ارجاع شده است. اولاً حدیث ۶ در صفحه ۵ از بحار است و ثانیاً حدیث ۶ ربطی به حدیث مورد نظر ندارد و در واقع همان حدیث ۳۲ از کتاب سلیم است. به این ترتیب تخریح روایت هفتم تقریباً هیچ ارزشی ندارد.

سلیم آمده، با قاضی عبدالجبار به بحث پرداخته است؛ مثلاً در مسأله احراق خانه فاطمه (س) و اجبار علی (ع) بر بیعت از کتاب «المعرفة فی المناقب والمثالب» ابراهیم بن سعید ثقفی (صاحب السفارات) چندین روایت نقل می‌کند، ولی از سلیم نام نمی‌برد.^{۳۹} اگر کتاب سلیم نزد سید مرتضی از اعتبار کافی برخوردار بود، بی‌تردید استناد بدان در مناظره از روایت ابراهیم بن سعید، که با چند واسطه از امام صادق (ع) و دیگران نقل می‌کند، موجه‌تر می‌نمود. جالب این است که قاضی در المغنی جریان تازیانه زدن بر فاطمه زهرا (س) و تهدید به احراق را به روایتی از امام صادق (ع) نسبت می‌دهد و سعی می‌کند بطلان آن را با اثبات ارادت امام صادق (ع) به شیخین نشان دهد.^{۴۰} سید در پاسخ می‌توانست براحتی روایات سلیم و امثال آن را پیش کشد و نشان دهد که این موضوع از غیر طریق امام صادق (ع) نیز نقل شده است. اما تنها در صدد ردّ روایاتی برمی‌آید که از علاقه آن حضرت به شیخین حکایت دارد. شاید از کلام قاضی عبدالجبار نیز بتوان استفاده کرد که روایاتی که امروزه از سلیم داریم، در آن زمان معروف نبوده است.

از دیگر شخصیت‌هایی که از کتاب سلیم نام نبرده، سید بن طاووس است. این مطلب از آن رو مایه شگفتی است که سید بن طاووس، همچون سید مرتضی، از کتابخانه‌ای معروف و مفصل برخوردار بوده است.^{۴۱} هیچ تردیدی نیست که سید بن طاووس کتاب سلیم را دیده است. برادر او احمد بن طاووس، و دو شاگردش علامه حلّی و ابن داوود، درباره این کتاب بحث کرده‌اند. بعلاوه همانطور که گفته شد در آن زمان نسخه‌هایی نظیر نسخه حاضر در دسترس دانشمندان شیعه بوده است و سید با علاقه وافر که به جمع‌آوری کتب داشته، بعید می‌نماید که از کتاب سلیم بی‌اطلاع مانده باشد.^{۴۲} حال در نظر آورید که سید

۱- متن و مضمون پاره‌ای از روایات سلیم (نسخه موجود) خالی از اضطراب و دوگانگی و گاه سستی و کاستی نیست. برای مثال در روایت چهارم که ماجرای جسارت به صدیقه طاهره (س) نقل شده، روای این جریان را عیناً و همزمان به عمر و به قنفذ نسبت می‌دهد (صفحه ۵۸۵ و ۵۸۶ و ۵۸۸) به علاوه عمر را گاه در صحنه و گاه دور از صحنه نشان می‌دهد (صفحه ۵۸۵ و ۵۸۶ را با صفحه ۵۸۸ مقایسه کنید). از قراین پیداست که این حدیث دو روایت مختلف بوده که با یکدیگر تلفیق شده است. این در حالی است که در کتاب سلیم، روایت بیست و پنجم، همین جریان به صورت معقول و روشنتری از ابن عباس نقل شده است. در آنجا ضربت فقط به عمر نسبت داده شده و ابوبکر در مسجد و بدور از ماجراست. نکته دیگر در روایت چهارم اهمیتی است که به نقش زبیر بن عوام داده شده و او را در بصیرت نسبت به مقام ولایت و مقابله با کارگردانان جریان سقیفه بسیار برجسته و از دیگران نمایانتر نشان می‌دهد. از سلمان نقل می‌کند که: «... وكان الزبير اشدنا بصيرة في نصرة» (صفحه ۵۸۴) و یا «ولم يكن منا أحد اشد قولاً من الزبير» (صفحه ۵۹۴). البته این مطلب با دیگر روایات شیعه منافات دارد. در این روایات زبیر اصلاً جزء سه یا چهار تنی که پس از رسول خدا (ص) مرتد نشدند نیامده است.^{۳۷} در کتاب الاختصاص مقدار را از دیگران استوارتر و پرینش‌تر معرفی می‌کند.^{۳۸}

بعلاوه در همین روایت چهارم تکرار در حوادث و گفته‌ها نیز زیاد به چشم می‌خورد (برای نمونه صفحه ۵۸۰ را با ۵۸۲ و صفحه ۵۸۶ را با ۵۸۸ و نیز صفحه ۵۸۸ را با صفحه ۵۹۳ مقایسه کنید). اگر از ضوابطی که در نقد متون تاریخی به کار می‌رود استفاده کنیم، بعضی از روایات سلیم از نظر تاریخی نیز قابل تأمل و تحقیق بیشتر است.

۲- بی‌توجهی یا کم‌توجهی برخی از دانشمندان متقدم شیعه نسبت به این کتاب نیز سؤال برانگیز است. برای مثال سید مرتضی در سراسر کتب و رسائل خویش از کتاب سلیم نام و یادی در میان نمی‌آورد و در سراسر آثار خویش تنها یک روایت کوتاه از سلیم نقل کرده است. این در حالی است که مخصوصاً در کتاب الشافی بر سر مطالبی که به هراحت در نسخه موجود از

۳۷. بحار، ج ۲۲، ص ۳۵۲.

۳۸. الاختصاص، ص ۱۲۸ تا ۱۲۹.

۳۹. الشافی، سید مرتضی، تصحیح سید عبدالزهراء حسینی، ج ۳، ص ۲۴۱ به بعد.

۴۰. مآخذ پیشین، ج ۴، ص ۱۱۰ به بعد.

۴۱. ر. ک: کتابخانه سید بن طاووس، اتان کلبرگ، انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

۴۲. علاوه بر اینها نسخه سال ۶۰۹ق که قبلاً از آن سخن گفتیم، توسط ابو البقاء هبة الله بن نما روایت شده است (مقدمه کتاب سلیم، ص ۳۱۶). این نما، به تصریح خود سید، از مشایخ روایت او به شمار می‌آید (کشف المحجبه، مکتبه الداوری، ص ۱۳۰). اگر استناد نسخه یادشده به ابن نما درست باشد، سید می‌بایست از این طریق نیز کتاب سلیم را دیده باشد.

۳) از قرن هفتم تا قرن یازدهم که عصر مجلسی و شیخ حرّ عاملی است .

۴) از زمان مجلسی تا دوران حاضر .

شاید این پژوهش، البته نه چندان ساده، بسیاری از سؤالات و ابهامات موجود را پاسخی درخور فراهم کند .

اما برای تقویم و تصحیح کتاب سلیم، در کنار تخریح روایات، باید به «قرینه سازی» متن دست یازید. برخی از روایات کتاب مستقیماً و با صراحت در جوامع روایی نیامده یا دست کم عین روایت وجود ندارد. در این گونه موارد می توان با جمع احادیث و نیز گردآوری قراین تاریخی درجه و ثاقت متن را بالا برد. برای مثال می توان اثبات کرد که حادثه آتش زدن خانه فاطمه زهرا و ضربت به آن حضرت یکی از معتقدات رسمی شیعیان در قرون اولیه اسلامی بوده است. اهمیت این کار از آن روست که هم اکنون شاهد مستقیمی در دست نیست که در متون رسمی شیعه در آن زمان روایاتی به این مضمون وجود داشته است یا خیر. ظاهراً از میان منابع موجود کهنترین کتابی که سبب وفات فاطمه زهرا(س) را ضربه قنذ می داند **دلائل الامامه طبری** است.^{۴۳} اما چندان که از **المغنی و الشافی** ذکر کردیم، در سده های قبل نیز روایاتی بر این معنا وجود داشته و مورد قبول علمای شیعه بوده است. پیشتر از اینها نظام، متکلم معروف معتزلی، به این نکته تصریح کرده است و عمر را مسؤول سقط جنین فاطمه زهرا دانسته است.^{۴۴} به همین ترتیب می توان قراین و شواهد بیشتری برای این مطلب یافت. باید توجه داشت که این گونه حوادث حساس تاریخی که رنگ کلامی و سیاسی دارد، همواره در معرض دستبرد و تحریف است و تنها از طریق شواهد جانبی می توان به حقیقت ماجرا پی برد. بر حوادث دیگری چون جریان عقبه یا صحیفه ملعونه، که در تخریجات سند محکمی درباره آن نیامده بود، می توان شواهد گوناگون ارائه داد. برای جلوگیری از اطاله بیشتر، سخن را در همین جا پایان می دهیم و برای مصحح و دست اندرکاران این اثر آرزوی توفیق روزافزون داریم.

بن طاووس نه تنها نامی از کتاب سلیم نبرده، بلکه چند روایتی هم که از سلیم نقل کرده همگی از کتابهای دیگر نظیر **البهار** حسین بن سعید، **المناقب** ابن مردویه و **نورالهدی** جاوانی است. سید بن طاووس در کتاب **کشف المحجّه** فرزندش را در وقایع سقیفه و پس از آن مکرّر به کتاب «**المعرفة فی المناقب والمثالب**» ابن هلال ثقفی ارجاع می دهد، اما چرا از کتاب سلیم هیچ نامی نمی برد؟

۳- میان روایت مشایخ حدیث از سلیم در قرن چهارم و پنجم با مندرجات فعلی کتاب سلیم اختلاف است و این خود یکی دیگر از مسائلی است که باید مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد. حتی با یک نگاه اجمالی می توان دریافت که موضوعات فراوانی از نسخه موجود در هیچ یک از متون روایی قرون اولیه (نظیر کافی، اکمال، خصال، من لایحضر، استبصار و المسترشد) نقل نشده است. در مقابل، بیشتر روایاتی که از سلیم در آن زمان نقل شده، معمولاً به اخلاقیات و حداکثر به فضایل اهل بیت (ع) اختصاص دارد. بخش مهم و برجسته کتاب سلیم به مثالب و مطاعن مربوط می شود. این گونه مضامین در منابع اولیه معمولاً از سلیم روایت نشده است. شواهد بسیاری در دست است که نشان می دهد بر روایات سلیم در طول زمان مقداری افزوده شده یا از آن کاسته گردیده است. البته این سخن به معنای مجعول بودن همه بخشهای افزوده شده، نیست. برعکس این موضوعات معمولاً در دیگر روایات نیز تصریح شده است و اگر حدس ما درست باشد عده ای از روایان یا نسخه پردازان بتدریج روایات دیگر یا معتقدات شیعی را در ضمن روایات سلیم داخل کرده اند. متأسفانه در اینجا مجال بیشتر برای بحث و فحص نیست.

گام بعدی در تحقیق کتاب سلیم

اجمالاً می توان گفت که کتاب سلیم را باید لا اقل در چهار دوره زمانی مورد تحقیق و مقایسه قرار داد:

۱) از زمان سلیم تا قرن سوم و چهارم که منابع اصلی شیعه تدوین یافته است.

۲) در قرن پنجم و ششم که کتابهایی چون احتجاج، فرائد السمطین و ارشاد القلوب تألیف شده است.

۴۳. دلائل الامامه، ص ۱۳۴.

۴۴. الملل والنحل، شهرستانی، چاپ مصر، ج ۱، ص ۵۹.